

خانه‌ای با عطر ریحان | الناز نجفی

محمد هادی، سومین فرزند خانواده ذوالفقاری بود. او شب جمعه، ۱۳ بهمن ۱۳۶۷، مصادف با شهادت امام هادی علیه السلام، به دنیا آمد و به همین دلیل، نامش را هادی گذاشتند.

دبستان را به مدرسه شهید سعیدی در میدان آیت الله سعیدی رفت و راهنمایی را در مدرسه شهید توپچی خواند و برای دبیرستان، راهی مدرسه شهدا شد؛ اما چندی نگذشت که به فکر کار کردن افتاد و ترک تحصیل کرد.

پس از مدتی کار کردن در یک تولیدی، در مغازه فلافل فروشی مشغول به کار شد و با سید علیرضا مصطفوی «مسئول فرهنگی مسجد موسی بن جعفر علیه السلام» آشنا شد. این آشنایی، باعث رفت و آمد بیشتر او به مسجد شد.

بعد از چند سال دوری از درس و مدرسه، باز هم به فکر درس خواندن افتاد و شبانه، در دبیرستان دکتر حسابی ادامه تحصیل داد. پس از مدتی، در حوزه علمیه حاج ابوالفتح تهران ثبت نام کرد و طولی نکشید که طلبه جوان، برای ادامه تحصیل، راهی نجف شد. هادی، در کنار تحصیل در حوزه علمیه، با مؤسسه «اسلام اصیل»

همکاری کرد تا این که با شروع غائله داعش، مؤسسه، به پایگاه نیروهای مردمی عراق تبدیل شد. محمد هادی، ۲۳ بهمن سال ۱۳۹۳ پس از پیوستن به نیروهای نظامی، در روستای مُکیشفیه در ۲۰ کیلومتری سامرا، به شهادت رسید. آن روز یک نیروی داعشی سوار بر بولدوزری پراز مواد منفجره، خودش را به نزدیکی خانه‌ای که او و حدود بیست و پنج نفر از رزمندگان عراقی در آن استراحت می‌کردند، رساند.

در اثر انفجار، بدن محمد هادی به دو نیم شد و تا سه روز جنازه‌اش بر زمین ماند و پیدا نشد تا این که همزمان با شروع ایام فاطمیه، پیکر او را با پلاکی که به گردن داشت، پیدا کردند.

طبق وصیت نامه‌اش، او را در نجف و در قبرستان وادی السلام، جایی که به حرم مولای متقیان بسیار نزدیک است، در ستون ۳۹۴ به خاک سپرده شد.

محمد هادی، علاقه خاصی به شهید مفقود الاثر، ابراهیم هادی داشت. به همین خاطر، در قطعه ۲۶ گلزار شهدای بهشت زهرا، در کنار مزار یادبود ابراهیم هادی، یک یادبود برای او نیز درست کردند. در مسیر نگارش این کتاب، در چند جلسه، با خانواده شهید ذوالفقاری صحبت کردم. اطلاعات بیشتر را با همکاری معصومه ذوالفقاری، خواهر شهید، از کامپیوتر شخصی شهید برداشتم و کتاب را در ده فصل و به نیت عشق و علاقه محمد هادی به امام دهم شیعیان، تدوین کردم.

الناز نجفی

شهریور ۹۷